



نوروز کهنسال‌ترین عید ملی دنیا

ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه آورده است که شمردن جشن‌های ایرانیان همانند شمارکردن آب‌گذرهای یک سیلاب، غیر ممکن است.

نگاهی تاریخی آیینی به نوروز و مراسم‌های خاص آن نوروز کهنسال‌ترین عید ملی دنیا

همشهری‌آنلاین- سید محمدرضا فهمیزی: ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه آورده است که شمردن جشن‌های ایرانیان همانند شمارکردن آب‌گذرهای یک سیلاب، غیر ممکن است.

بنابراین جشن و سرور همواره جایگاه والایی در فرهنگ این سرزمین داشته و جشن‌های متعددی هم در طول سال برگزار می‌شده است از جمله: در گاه‌شماری باستانی ایرانیان هر روز نامی خاص داشت و در هر ماه روزی را که همنام همان ماه می‌شد جشن می‌گرفتند مثل: تیرگان، امردادگان، مهرگان، آبانگان و... علاوه بر اینها برخی جشنهای مهم دیگر نیز عبارت بودند از: یلدا، سده، گاه‌نبارها و... اما یکی از مهمترین این جشن‌ها، نوروز بوده است که امروزه با پیشینه‌ای سه هزار ساله کهن‌سال‌ترین عید ملی در دنیاست.

بنا به پیشنهاد جمهوری آذربایجان، مجمع عمومی سازمان ملل (برای نخستین بار در تاریخ این سازمان) در نشست ۴ اسفند ۱۳۸۸ (۲۳ فوریه ۲۰۱۰) با تصویب قطعنامه‌ای ۲۱ مارس برابر ۱ فروردین را در چارچوب ماده ۴۹ و تحت عنوان فرهنگ صلح به عنوان روز جهانی نوروز به رسمیت شناخت و در تقویم خود جای داد. در متن به تصویب رسیده، نوروز، جشنی با ریشه ایرانی که قدمتی بیش از ۳ هزار سال دارد و امروزه بیش از ۳۰۰ میلیون نفر آن را جشن می‌گیرند توصیف شده است. پیش از آن در تاریخ ۸ مهر ۱۳۸۸ هم، نوروز توسط سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، به عنوان میراث غیرملموس جهانی، به ثبت جهانی رسیده بود.

نوروز ترکیب وصفی مقلوب به معنی روز نو است و ایرانیان باستان اولین روز هر ماه را "اورمزد" (برگرفته از اهورامزدا) نام گذاشته بودند چون بین آنها مرسوم بوده و هست که هر کاری را با نام آفریدگار توانا آغاز کنند.

پیدایش نوروز

منشأ و زمان پیدایش نوروز، به درستی معلوم نیست. برپایه برخی افسان‌ها 3000 سال پیش در چنین روزی جمشید از کاخ خود در جنوب دریاچه ارومیه (منطقه حسنلوی امروزی) بیرون آمد و شیدایا تحت تاثیر آفتاب درخشان و تازگی و طراوت محیط قرار گرفت و آن روز را نوروز نامید و تصمیم گرفت پس از آن، هر سال در چنین روزی آیین‌های ویژه‌ی برگزار شود.

در شاهنامه درباره ریشه نوروز چنین آمده است که جمشید در حال گذشتن از آذربایجان، دستور داد تا در آنجا برای او تختی بگذارند و خودش با تاجی زرین بر روی تخت نشست. با رسیدن نور خورشید به تاج زرین او، جهان نورانی شد و مردم شادمانی کردند و آن روز را روز نو نامیدند.

نوروز پیش از اسلام

اما کوروش کبیر نخستین پادشاهی بود که به نوروز رسمیت داد. او در سال 534 پیش از میلاد دستور داد تفریع نظامیان، سان دیدن از سربازان، عفو مجرمان، پاکسازی محیط زیست در این روزها باشد. البته 4 سال پیشتر هم، یعنی در 538 پیش از میلاد، کوروش پیش از فتح بابل نوروز را در آنجا جشن گرفته بود. در زمان اشکانیان و ساسانیان نیز نوروز گرامی داشته می‌شد. در این دوران، جشن‌های گوناگونی در طول یک سال برگزار می‌شد که مهمترین آنها نوروز و مهرگان بود. برگزاری جشن نوروز در دوران ساسانیان دست کم شش روز طول می‌کشید و به دو دوره نوروز کوچک و نوروز بزرگ تقسیم می‌شد. نوروز کوچک یا نوروز عامه به مدت پنج روز، از یکم تا پنجم فروردین برگزار و روز ششم فروردین (خردادروز)، جشن نوروز بزرگ یا نوروز خاصه برپا می‌شد. در هر یک از روزهای "نوروز عام"، طبقه‌ای از طبقات مردم (دهقانان، روحانیان، سپاهیان، پیشه‌وران و اشراف) به دیدار شاه می‌آمدند و شاه به سخنانشان گوش می‌داد و برای حل مشکلات آنها دستور صادر می‌کرد. در روز ششم، شاه حق طبقات گوناگون مردم را ادا کرده بود و در این روز، تنها نزدیکان شاه به حضور وی می‌آمدند.

در دوران ساسانیان، 25 روز پیش از آغاز بهار، در 12 ستون که از خشت خام برپا می‌کردند، انواع حبوبات و غلات (برنج، گندم، جو، نخود، ارزن، و لوبیا) را می‌کاشتند و تا روز شانزدهم فروردین آنها را جمع نمی‌کردند چون معتقد بودند که هر کدام

از این گیاهان که بارورتر شود، در آن سال محصول بهتری خواهد داد. در این دوران همچنین متداول بود که در بامداد نوروز، مردم به یکدیگر آب بپاشند. از زمان هرمز اول مرسوم شد که مردم در شب نوروز آتش روشن کنند. همچنین از زمان هرمز دوم، رسم دادن سکه در نوروز به عنوان عیدی متداول شد.

نوروز پس از اسلام

در دوران سلجوقیان، به دستور جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی تعدادی از ستاره‌شناسان ایرانی از جمله خیام برای بهترسازی گاهشماری ایرانی گرد هم آمدند. این گروه، نوروز را در یکم بهار (ورود آفتاب به برج حمل) قرار دادند و جایگاه آن را ثابت نمودند. بر اساس این گاهشماری که به تقویم جلالی معروف شد، برای ثابت ماندن نوروز در آغاز بهار، مقرر شد که حدوداً هر چهار سال یک‌بار (گاهی هر پنج سال یک‌بار)، تعداد روزهای سال را به‌جای ۳۶۵ روز برابر با ۳۶۶ روز در نظر بگیرند. این گاهشماری از سال ۳۹۲ هجری آغاز شد.

در اسلام و بویژه آیین تشیع به نوروز به عنوان روزی خجسته نگاه شده و بر گرامی داشتن آن تأکید شده است. از دیدگاه شیعه نوروز روز ظهور امام زمان است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: "روز نوروز همان روزی است که خداوند در آن از بندگان پیمان گرفت که او را پرستش کنند و هیچ چیزی را شریک او ندانند و این که به پیامبران و اولیایش ایمان بیاورند و آن نخستین روزی است که خورشید در آن طلوع کرده، و بادهای باردار کننده در آن وزیده است و گل‌ها و شکوفه‌های زمین آفریده شده است و آن روزیست که کشتی نوح (ع) به کوه جودی قرار گرفت و آن روزی است که در آن قومی که از ترس مرگ از خانه‌های خود بیرون آمدند و آنها هزارها نفر بودند پس خداوند آنها را بمیراند و سپس آنها را در این روز زنده کرد. و آن روزیست که جبرئیل بر پیامبر (ص) فرود آمد و آن همان روزیست که ابراهیم (ع) بت‌های قوم خود را شکست. و آن همان روزیست که پیغمبر خدا، امیرالمومنین علی (ع) را بر دوش خود سوار کرد تا بت‌های قریش را از بالای خانه خدا به پائین انداخت و آنها را خرد کرد..."

جغرافیای نوروز با نام نوروز یا مشابه آن، سراسر خاورمیانه، بالکان، قزاقستان، تاتارستان، در آسیای میانه چین غربی (ترکستان چین)، سودان، زنگبار، در آسیای کوچک سراسر قفقاز تا آستراخان و نیز آمریکای شمالی، هند، پاکستان، بنگلادش، بوتان، نپال و تبت را شامل می‌شود.

آیین‌های نوروز

خانه تکانی: از چند روز مانده به پایان سال آغاز می‌شد و تمام خانه و وسایل آن گردگیری، شستشو و تمیز می‌شد چون معتقدند ارواح مردگان در روز نخست فروردین به خانه هایشان باز می‌گردند و اگر اجاق روشن، خانه پاک و آراسته بود شاد می‌شدند و برای آنها دعا می‌کردند ولی اگر کثیف و ناپاک بود یا هفت سین نداشت آن خانه را نفرین می‌کردند و تا سال بعد ناراحت بودند.

حاجی فیروز: از مشهورترین پیک‌های نوروزی است که با لباس ویژه خود یعنی پیراهن و شلوار قرمز، گیوه نوک تیز و منگوله دار و صورت سیاه شده، فرا رسیدن نوروز را نوید می‌دهد. حاجی فیروز نماد استپوره سیاوش است. چهره سیاهش نشانه بازگشت او از جهان مردگان، لباس سرخش نماد خون سرخ سیاوش و شادی او هم به خاطر حیات دوباره سیاوش است.

هفت سین: هفت سین پیش از اسلام هفت شین بود و از نام امشاسپندان (پاکان بی مرگ) گرفته شده که عبارت بودند از: وهومن (بهمن) اشا وهیشتا (اردی بهشت) خشته وئیریه (شهریور) سپنت آرمئیتی یا سپندارمذ (اسفند) هئورتات (خرداد) آمرتات (مرداد) و هرمز یا اهورامزدا. این امشاسپندان همه صفات اهورا مزدا هستند که در قالب هفت شین بر سر سفره قرار می‌گرفتند که یعنی: شمع، شراب، شیرینی، شیر، شربت، شکر و شانه. اما محتویات سفره هفت سین امروزه هر کدام معنی نمادین ویژه خود را دارند: 171#& سمنو؛ که از جوانه‌های تازه گندم است، نشانه قدرت است و مبارزه. 171#& سنجد؛ مفهوم عشق و محبت و همچنین زایش را می‌رساند. 171#& سکه؛ نماد برکت و روزی و ثروت است. سیب میوه‌ای بهشتی و نشانه زیبایی و تندرستی است. 171#& سیر؛ مفهوم دست نگهداشتن از ظلم و تجاوز به حقوق دیگران را می‌رساند. 171#& سرکه؛ هم نماد رضا و تسلیم است. 171#& تخم مرغ رنگی؛ نشان نطفه و نژاد و 171#& آینه؛ مظهر پاکی و شفافیت است. 171#& سپند؛ یا اسپند هم برای دور شدن بیماری و سلامتی است.

سیزده بدر: ایرانیان باستان سیزدهم هر ماه خورشیدی را "تیر روز" نامیده و متعلق به فرشته تیر یا "تیشتر" (اله باران) می‌دانستند. آنها پس از 12 روز جشن و شادی به یاد 12 ماه سال، روز سیزدهم نوروز را به باغ و صحرا و مناطق خارج از شهر رفته شادی می‌کردند و سبزه‌های خود را به نشانه سبزی، شادابی و برکت به آب روان سپرده و نوروز را به پایان می‌رساندند. بنابراین اعتقاد به نحسی این روز هیچ جایگاهی در فرهنگ کهن ایرانی ندارد و عده‌ای آن را به فرهنگ اعراب جاهلی نسبت می‌دهند. چون در بین بسیاری از اقوام این

اعتقاد خرافی که برخی اعداد را نحس می‌دانند، وجود دارد و اعراب جاهلی هم پیش از اسلام عدد 13 را نحس می‌دانسته‌اند. از کارهای رایج در این جشن، گره زدن سبزه و گفتن دروغ سیزده است.

سبزه گره زدن: مشی و مشیانه (آدم و حوا از نظر ایرانیان) در روز سیزدهم فروردین زندگی خود را آغاز کردند و پایه ازدواج خود را با گره زدن شاخه بنیاد نهادند. از همین رو این کار به یکی از سنت های کهن سیزدهمین روز نوروز تبدیل شده است.